

فرخنده و گرامی باد روز جهانی زن!

امسال باز در شرایطی به پیشواز ۸ مارچ، روز جهانی مبارزه برای امحای ستم جنسی، تبعیض، نابرابری و بیحقوقی زن می رویم که ستم جنسی و خشونت علیه زنان، در پهنه جهان و بویژه افغانستان، بدلیل حاکمیت فرهنگ مردسالار، مذهب و سنت های عقب مانده قرون وسطائی از یکجانب، سودجویی و حرص و آز نظام برده گی مزدی و نگاه کالائی به زن، از جانب دیگر، همچنان ادامه دارد. در افغانستان به یمن مهندسی یک دولت پوشالی و بجلو صحنه قدرت رانده شدن هرچه بیشتر ارتجاع اسلامی- قومی مورد حمایت سرمایه داری جهانی، زنان همچنان از آزادی و حقوق فردی اجتماعی شان محروم اند. اپارتاید جنسی روا داشته شده ناشی از حاکمیت قوانین شرع و سنت های دیرپای عصر توحش بشر، در ابعاد وسیعی زنان افغانستان را مورد آماج قرار داده و فقر و محرومیت بیشتری را به آنها تحمیل کرده است.

۹ سال پس از سرنگونی امارت اسلامی طالبان و تحکیم حاکمیت دارودسته های اسلامی- قومی به رهبری کرزی، پی ریزی استراتژی های جدید نظامی- سیاسی کشورهای سرمایه داری در رأس امریکا و متحدانش در پیمان ناتو و به همین منوال تداوم جنگ و گسترده گی هرچه بیشتر فقر در کنار حضور پررنگ نیروهای ارتجاعی در رأس قدرت و به موازات آن سلطه هرچه بیشتر آراء و افکار مردسالارانه، زنان قربانی بیشتری پرداخته اند. اکثریت قریب به اتفاق مردم در افغانستان و بویژه زنان در نهایت فقر و تنگدستی روزگار شان را سپری می کنند؛ فقدان امنیت جانی، جنگ و ترور، بیکاری ملیونی، گسترده گی فساد، عدم برخورداری بودن از حداقل رفاه و امکان درمان و تحصیل، شرایطی را به وجود آورده است که قربانی آن قبل از همه زنان و کودکان اند. اگر از یک جانب تهیدستی و جنگ زنان را آسیب پذیرتر از قبل ساخته است از جانبی هم سلطه باورهای عهد عتیق و سنتهای آمیخته با باورهای مذهبی و تبیین مردسالار محرومیت زن و برده گی جنسی را در ابعاد غیرقابل تصویری در اذهان عمومی نهادینه کرده است که حاصل آن برای زنان جز نگون بختی بیشتر چیزی دیگری نبوده و نیست. با وجود هیاهوی گوش کر کن رسانه های مزدور و مداحان و حامیان نظام حاکم در طی این چندسال پس از اشغال افغانستان، نصیب زنان چیزی بیشتر از تحمل فقر و بینوائی و در نهایت تن فروشی، خودسوزی، خودکشی و گدائی نبوده. خرید و فروش و معاوضه زنان و دختران جوان به عنوان کالا، قتل های ناموسی و خشونت لجام گسیخته در حریم خانواده ها و رسمیت یافتن هرچه بیشتر این مصائب، بیان روشنی از موقعیت فرودست زن در جامعه افغانستان می باشد.

چنانچه شاهد بودیم در بحبوحه کمپاین انتخابات ریاست جمهوری همه از جمله کرزی از بهبود وضع زنان و مشارکت بیشتر شان در امور جامعه سخن گفتند، اما با همکاسه شدن هرچه بیشتر ارتجاع اسلامی و دست بالا یافتن شان در صحنه جدال قدرت و بویژه استراتژی جلب و مشارکت طالبان، سخن از دموکراسی، تطبیق موازین حقوق بشر و نقش و مشارکت زنان در امور جامعه و رفع تبعیض از آنها دیگر حتی در سطح فرمال هم که شده نه تنها از جانب اراکین و شخصیت های ریز و درشت حاکمیت پوشالی مطرح نه می شود بلکه حامیان بین المللی دولت اسلامی افغانستان نیز دیگر تمایل چندانی به بیان آنها ندارند. اگر هم چیزی در این مورد بیان می شود بیشتر از سر جلب حمایت مردم از حضور نظامی و پیشبرد جنگ در کشورهای مطبوع خودشان است. ارزش های یونیورسال و انسانی بی را که از آن گاه گاهی دم می زدند این اواخر فراورده لکسی می پندارند که مردم افغانستان و از آن میان زنان را لایق و سزاوار آن نمی دانند.

با وجود ادعاهای اولیه پس از لشکرکشی به افغانستان و سرازیر شدن منابع عظیم مالی، سهم زنان از این خوان یغما چیزی بجز احیای مجدد افکار زن ستیز و تداوم اپارتاید اسلامی در اشکال متنوع آن نبوده است. یکی از نمود های سلطه آراء و افکار طالبی طرح قانون احوال شخصیه شیعیان بود که با اعتراض گسترده مردان و زنان آزادیخواه مواجه شد. دولت اسلامی به رهبری کرزی و حامیانش در سطح جهان، از آنچه که در آغاز مدعی بهبود وضعیت زنان و رهایی آنها از بند سنتها و افکار و نیروهای چون طالبان بودند، دارند گام بگام عقب نشینی می کنند و با میدان دادن به جریان های اسلامیت حاضر در صحنه سیاسی افغانستان، به اپارتاید جنسی اسلامی و به همین ترتیب به سلطه افکار زن ستیز

مهر تأیید می زند. این امر در عمل چیزی نیست جز تحکیم هرچه بیشتر سلطه نیروهای ارتجاعی و بدین منوال نهادینه تر شدن هرچه بیشتر آراء مردسالارانه که حاصلی جز محرومیت، نگون بختی و بی حقوقی بیشتر برای زنان در پی نخواهد داشت.

اپارتاید و ستم جنسی تاریخی رو داشته شده بر زنان افغانستان که طی این چند دهه بدلیل حضور فعال نیروها و باورهای مردسالار در جامعه بیشتر از گذشته نهادینه و تقویت شده است، اما با این وجود جنبش برابری طلبی و آزادیخواهانه زنان برای برابری و رفع ستم جنسی، در صف مقدم آن جنبش سوسیالیستی کارگری، هنوز خود از پویایی و استحکام لازم برخوردار نیست تا بتواند بعنوان یک جنبش اجتماعی نیرومند و با افق روشن، مطالبات برحق زنان برای دست یابی به آرمان برابری و رفع ستم جنسی، رفاه و آزادی را به سرانجام برساند.

بنابراین امر رهائی واقعی جامعه از وجود نابرابری و برده گی در گرو به میدان آمدن طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی متعلق به آن است. جنبش آزادیخواهی در افغانستان با نقد آراء و افکار حاکم بر جامعه و سازمانیابی صف مستقل خودش است که می تواند در جدال رفع تبعیض و ستم جنسی از زنان وارد پیکار شود و مطالبات و خواسته های آن را نماینده گی کند.

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان برای شکل یافتن و سازمانیابی جنبش آزادیخواهی سوسیالیستی طبقه کارگر و برای رهائی زنان از ستم جنسی و مردسالاری تلاش و پیکار می نماید و برای تحقق امر آزادی و برابری از همه زنان و مردان آزادیخواهی که هنوز دل در گرو آرمان رهائی انسان دارد می طلبد تا به آن بپیوندند.

فرخنده و گرامی باد ۸ مارچ روز جهانی مبارزه علیه ستم جنسی!

زنده باد سوسیالیسم!

کمیته مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۲ حوت ۱۳۸۸؛ ۲۱ فبروری ۲۰۱۰